

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آزاد ل.

۲۸ اپریل ۲۰۱۱

هفت و هشت ثور

کو دتای ننگین و شرم آور ۷ ثور ۱۳۵۷ تو سطر یک مشت اجبران خود فروخته و بیگانه منش در کشور عزیز این میهن آزادگان با کشتار بیرحمانه انسانهای مظلوم ما پیاده و خیانت کاران گرداننده آن بیشرمانه به نام گذاری آن به انقلاب بر گشت ناپذیر افتخار نمودند.

شروع این حرکت شوم که با پرواز هواپیما های روسی در فضای کشور ما و غرش تانگ ها در جاده های پایتخت آغاز شده بود گلیم شوم و سیاه ارتجاع، استبداد وحشی گری را در وطن ما هموار نمود و چنان وحشیانه به کشتار فرزندان صدیق و راستین این ملت پرداختند که قلم از نوشتن آن عاجز است. گروهی که خود را حزب دموکراتیک خلق می نامیدند از دو شعبه خیانت کار خلق و پرچم که هر کدام شان به شکل جداگانه به بادران اصلی خود شوروی بستگی کامل و حلقه غلامی را در گوش داشتند، متشکل و بعد از رسیدن به قدرت و تاراج دارائی های مردم زندانها را از خلق مظلوم ما پر و مبارزان آگاه و جان به کف را جوخه جوخه به چوبه های دار فرستاده و با مرمی های داغ مسلسل های شان سینه پاکان و مدافعین شرف انسانی را سوراخ سوراخ نمودند که از آن بابت به هزاران هموطن ما در گور های دسته جمعی تا امروز خفته اند.

زندان های مخوف این جانیمان وحشی و خدمت گذاران امپریالیسم از مردم شریف ما پر و اکثرا بدون تحقیق و یا پرسیان از بین رفتند و امین سفاک و دارو دسته این خون آشام درنده چند بار هم گفت که ما فقط دو ملیون نفوس درین مملکت می خواهیم. بلی این بی وجدان فقط دو ملیون نوکر لازم داشت و بس و می دانست همه مردم شجاع و دلیر افغانستان تا آخرین رمق حیات در مبارزه شان برای نابودی کامل آنها دوام داده و از پا نخواهند نشست.

این سگان پلید و لاشخور استعمار هم برای بقای خود محو کامل توده ها را در نظر داشت و از هیچ نوع پستی و بی وجدانی دریغ نکردند. زنجیر و زولانه مردم – کشتار و خون ریزی قریه جات و شهر های کشور پر شدن زندان های وحشتناک از شریف ترین مردمان ما همه را سفاکانه به خاطر تداوم و بقای خود انجام دادند تا چند صباحی به طول عمر ننگین و شرم آور خود بیفزایند اما غافل ازینکه این ملت است که تعیین سر نوشت می کند نه چند خاین به ملت.

و بعدا این سگان هر جائی به خاطر خوش خدمتی به باداران شان شروع نمودند به تعزیر همدیگر و زندانی ساختن طرف مقابل تا در تاراج هستی ملت و کشتار مردم شریکی نداشته باشند و خود یکه تاز میدان بمانند اما این خود نمائی و نمایش قدرت کاذب به نفع بیگانگان دوامی نداشت چه ملت به پا خاسته بود و سر انجام گلیم سیاه شان جمع و این چوپه سگان به هر کشوری فرار و در خدمت دشمنان سو گند خورده مردم به شکل و شمایل دیگر به خیانت خویش دوام دادند. تا باشد مورد لطف باداران جدید امریکائی و اروپائی قرار گیرند.

پیکار و جان دادن فر زندان ملت در راه نابودی این حزب غدار و خون آشام و حامیان بین المللی شان باعث شد تا چند مفت خور و اجیر وابسته با همکاری و پشتیبانی مستقیم سی، آی، ای و آی، اس، آی بر سر قدرت آیند و مردم صاف دل و خوش باور ما با آمدن یک تعداد از **علمای دین - رهبران جهادی در ۸ ثور** پنداشتند که دیگر ازین کشور بد بختی ها رخت بر بسته و آرامش کامل و زندگی بهتر را نصیب خواهند شد. متأسفانه اینها تاجران دین و نوکر های استعمار بودند که به شکل و شمایل دیگر زیر عبا و قبای دین به چوکی های دولتی نصب شدند و بعد از مدت کوتاهی اینها هم شروع کردند به چپاول باقیمانده زندگی و دارائی مردم شریف ما و همان اعمال ننگین و شوم خلقی و پرچمی ها را بدون تفاوت تکرار نمودند.

کشتار بیر حمانه آنها زیر هدایت دین و مذهب قربانی های بیشماری ازین ملت مظلوم گرفت وحشت و بربریت آنها زیر نام (اسلام من بهتر از اسلام تو است) دوام داده شد و تنها شهر کابل دارای ۸ پادشاهی بود و آخرین شاه آن دوره خوجه نین ربانی بود که با پا بوسی اربابان جدید خود را زنده نگهداشت چون آنوقت یک تعداد جانوران وحشی دیگر را استعمار جدید زائید تا بر سر نوشت این ملت حکومت کنند.

این ملت قر بانی تمام مظلوم، وحشی گری ها، بی وجدانی ها و بی ناموسی بوت پاکان روسی و اجبران پاکستانی و ایرانی گردیدند. این نوشته ها به یاد آورنده صفحات سیاه و تاریک تاریخ ما می باشد. باشد تا نسل آینده از آنها پند گرفته و هرگز فریب وطن فروشان و بیگانه پرستان را در هر لباس و قبائی که باشد نخورند و با تکیه بر بازوی پر توان خود به سوی شگوفائی این ملت زجر دیده را که اضافه تر از سی سال است زجر می کشند و قر بانی می دهند و هنوز هم دوام دارد همراه باشند.

پیش آمد قیام عظیمی نشست ماست

آبستن نبرد نوینی شکست ماست

هر نعره ای که پشت زمین را تکان دهد

فریاد خشم سرکش طوفان مست ماست

ما یکه نیستیم درین دشت سینه سرخ

چون لاله های تشنه همه همنشست ماست

در سایه سلام بسی حيله خفته است

این درس تلخ تجربه بود و هست ماست

آزاده ایم همچو عقاب سپهر تار

"سرمد" نه بند هیچکسی پای بست ماست